

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 00491635112025
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالگیریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

منصور حکمت
www.m-hekmat.com

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



ایسکرا ۵۰۴

۱۴ بهمن ۱۳۸۸، ۳ فوریه ۲۰۱۰ چهارشنبه ها منتشر میشود

Iskraa_nkk@yahoo.com

سر دبیر: منصور فرزاد - عبدالگیریان



برداشتن حجاب نابودی رژیم اسلامی

تحمیل حجاب به زنان از ابتدای حاکمیت سپاه اسلامی بعنوان یکی از اصلی ترین ارکان رژیم قرار گرفت و زنانی را که در اسفند ۵۸ تظاهرات کردند و "فریاد نه روسری نه توستری" ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم را وحشیانه با سخت ترین شیوه ها و قوانین ضد انسانی مورد هجوم قرار داد و از آن زمان تا کنون خواستند که سنتها و قوانین ارتجاعی اسلامی را به زور و سرکوب بر زندگی مردم حاکم کنند و اسلام و ولایت فقیه حکمفرمایی کند. مردمی که تازه از دست رژیم شاهنشاهی نجات پیدا کرده بودند ناگهان تا بخود آمدند انقلابشان به دست ضد انقلاب اسلامی افتاد و با حمایت های غرب در نهایت ناباوری صاحب انقلاب شد و بلافاصله اعدام سرکوب شکنجه و... از اولویت های اول رژیم جنایتکار اسلامی قرار گرفت و در این میان زنان بعنوان نیمی از جامعه از زمره انسان بودن بکلی خارج شده و عامل فساد و فحشا در جامعه نام گرفتند و برای

آوات فرخی

اینکه به قول آنها مردان به گناه نیافتند زنان را باید در زندان حجاب با توهین و تحقیر گرفتار کرد البته تحمیل حجاب توهینی آشکار به مردان نیز هست زیرا که مردان را وحشی و درنده معرفی می کند. در واقع در طول سه دهه حاکمیت سپاه اسلامی هر روز بیش از پیش مردان و زنان مورد تحقیر و توهین و سرکوب قرار گرفته اند. در تمام محیط های مدارس و دانشگاهها یعنی از مهدکودک تا دانشگاه، نابرابری بین زن و مرد و برتری مردان تبلیغ شد و همواره حجاب زنان مسئله ای اساسی برای جلوگیری از فساد و فحشا ترویج شده است. تا جایی که دلایل علمی (علم اسلامی) عجیب و غریب را هم می صفحه ۲

میزگرد ایسکرا با محمد آسنگران و منصور فرزاد در مورد ۲۲ بهمن ۳۰ سال قبل و ۲۲ بهمن پیش رو



منصور فرزاد

مانده است. برای ورود به بحث اگر بخواهید نگاهی به انقلاب بهمن ۵۷ داشته باشید کوتاه و مختصر چه نکاتی را برجسته میبینید؟ و شرایط امروز را چگونه توضیح میدهید؟



محمد آسنگران

محمد آسنگران: ۲۲ بهمن ۵۷ روز پیروزی مردم برای اعلام پایان رژیم سلطنتی در ایران بود. مردم از این بابت پیروز شدند و جشن شادی برپا شد. این يك تحول تاریخی مهم و در عین حال تعیین کننده بود. در عین حال بلافاصله فصل دیگری

عبدالگیریان: با تشکر از شما برای شرکت در این میزگرد، اولین سؤال را از محمد آسنگران شروع میکنم. تقریباً یک هفته به ۲۲ بهمن سالروز انقلاب بهمن ۵۷ باقی

از تاریخ آغاز شد. در این مورد کتابها و مقالات زیادی نوشته شده است. اما اجازه بدهید من وارد جزئیات نشوم، پرداختن به جزئیات جایش در این گفتگوی صفحه ۳

دست مذهب از جامعه کوتاه! بیانیه حزب کمونیست کارگری در مورد موازین سکولاریسم در ایران

بازی را کسی می برد که اشتیاق بُرد داشته باشد

محمد امین کمانگر

صفحه ۵

اطلاعیه درباره دیدار های رهبری
حزب کمونیست کارگری ایران و حزب کمونیست ایران

صفحه ۶

کانال جدید، کانال انقلاب

یلدی محمودی

صفحه ۸

در فرانکفورت حدود ۴۰ نفر از تظاهر کنندگان توسط پلیس آلمان دستگیر و یک ساعت بعد آزاد شدند!

صفحه ۸

در زندانها را خواهیم شکست

تجمع بیش از دو هزار نفر از خانواده های زندانیان و مردم معترض در شب ۱۰ بهمن مقابل زندان اوین، یک حرکت نمادین برای گشودن در زندانها و شکنجه گاهای حکومت منفور اسلامی است. علاوه بر صدها نفر از خانواده



صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

در زندانها را خواهیم شکست

ازصفحه ۱



ها و مردمی که عزیزانشان در زندان بودند، شمار قابل توجهی از مردم معترض و افرادی که قبلاً از زندان آزاد شده بودند نیز به جمع آنها پیوستند و انزجار خود را از اعدام دوتن از زندانیان و قرار دادن تهدید اعدام بالای سر زندانیان سیاسی اعلام داشتند و خواهان آزادی زندانیان شدند. فشار این اعتراض بر حکومت آنچنان سنگین بود که پس از ساعتی اعلام کردند که زندانیان را آزاد خواهند کرد و پس از آن شماری از دستگیرشدگان يك آزاد شدند و به میان جمعیت آمدند. دست اندرکاران زندان ابتدا از خانواده ها خواستند که آرام باشند تا عزیزانشان آزاد شوند. سپس اعلام کردند که ۲۳ نفر آزاد خواهند شد. و در نهایت تا پایان تظاهرات و تجمع، بنا به گزارش فعالین حقوق بشر ۴۰ نفر از دستگیر شدگان آزاد شدند و در میان شور و شادی و اشک شوق معترضین، به میان مردم آمدند.

يك امر فوری انقلاب میلیونی مردم شکستن در زندانها و شکنجه گاههای جمهوری اسلامی است. خواست محوری انقلاب حاضر آزادی همه زندانیان سیاسی است. جمهوری اسلامی رژیم شکنجه و اعدام و زندان است. این حکومت به حکم انقلاب مردم باید سرنگون شود. عریه کشی و تهدید تظاهر کنندگان به دستگیری و اعدام راهی است که اکنون جانین حاکم به آن توسل جسته اند. اعدام دوتن از زندانیان بنامهای محمد رضا علی زمانی، و آرش رحمانی در روزهای اخیر يك تعرض و دهن کجی حکومت اسلامی به همه مردم شریف است.

این جنایت خشم همه مردم را بر انگیزته است. روز ۲۲ بهمن که در پیش است باید با مارش میلیونی پاسخ دندان شکنی به جانین حاکم داد. پاسخ این حکومت مرگ بر جمهوری اسلامی است. پاسخ این حکومت شکستن در زندانها و آزادی همه زندانیان سیاسی به قدرت انقلاب مردم است. قاتلین و آیت الله های دزد و کل فسیلهای منحوسی که با زندان و شکنجه و تجاوز و اعدام يك جامعه ۷۰ میلیونی را به گروگان گرفته اند، به حکم همین مردم باید گورشان را گم کنند. نیرویی که به زبان سران و امام جمعه ها و دست اندرکاران نفرت انگیزش آشکارا حکم اعدام و جهاد علیه مردم يك کشور را میدهد، جایش در زباله دان است. راهی برای سرپا مانن ندارد. هیچ درجه جنایت نمیتواند این حکومت را از خشم مردم نجات دهد. میلیونها زن و مرد و پیرو جوان پا به میدان گنارده اند تا این ماشین جنایت را در سراسر ایران فلج کنند، در هم شکنند، و به عمر نتگینش پایان دهند. يك جامعه سراپا خشمگین، سراپا متحد و هم صدا دارد فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی و مرگ بر دیکتاتور را سر میدهد. حاکمین اسلامی سرمایه داران اگر ذره ای شعور داشته باشند و درسی از تاریخ گرفته باشند باید بدانند که هیچ حکومتی در برابر عزم متحد مردم میلیونی قدرت دوام ندارد و باید برود. تجمع شب گذشته مقابل شکنجه گاه اوین سرآغاز تظاهراتهای میلیونی و تعرض مردم به زندانها و خراب کردن دیوار زندانهاست. در زندانها را بزودی خواهیم شکست. عزیزانمان را از جنگ گرگهای حاکم نجات خواهیم داد. قاتلین و شکنجه گران را به محاکمه خواهیم کشید.

برداشتن حجاب ...

ازصفحه ۱

آورند بطوریکه شکوفه گل خو رئیس دانشگاه الزهرا جانشین زهرا رهنورد گفته بود که حجاب از نظر فیزیولوژیکی ضروری است زیرا نداشتن حجاب باعث تحریک و فعال نمودن غده هیپوفیز مردان میشود و اینگونه تحلیل علمی اسلامی اش حتی مرغ پخته را هم به خندیدن وا میدارد لازم به ذکر است که یادآور شوم این نوع غده هیپوفیز اسلامی که این خانم بیان می کند تنها در مغزهای معیوب آخوندهای اسلامی و ولایت فقیه و سایر حاکمین مرتجع اسلامی وجود دارد چرا که با وجود این تعاریف و آموزشهای مسخره و علیرغم سرکوب و تصویب و اجرای قوانین زن ستیز و طرحهای عفاف و ... همچنان در برابر زنان ناکام مانده اند طوریکه زنان و مسئله بی حجابی همانند کابوسی خوابشان را آشفته کرده است و این رژیم با تمام دم و دستگاه سرکوبش در مقابل يك تار موی زنان احساس خطر میکند خطری که زنان به روشنی از آن آگاهند که با پرت کردن حجاب

شجاعانه کل نظام اسلامی را با همه جناحهایش به چالش کشیده اند و نه تنها شدت گرفتن سرکوبهای ارازل و اوباش رژیم اسلامی کارساز نبوده بلکه روزنامه جمهوری اسلامی هم به تازگی دادش بلند شده بود که بد حجایی به بی حجایی تبدیل شده و بی حجایی از داخل خودروها به خیابان و اماکن عمومی کشیده شده و زنان بدون حجاب به خرید رفته و در اماکن عمومی ظاهر می شوند. در این شرایط حساس و دوره انقلابی زنان راه خود را پیدا کرده اند و با بی حجایی به جنگ دشمن سی ساله شان میروند و حجاب این

سمبل تحقیر و توهین به خود را بر نمی تابند که از هر فرصتی استفاده کرده و سمبل رژیم ضد زن اسلامی را پرت می کنند. هشت مارس امسال طلیعه دار این حرکت خواهد بود. هشت مارس امسال را زنان در دل انقلابی که در جریان است، حجاب این سمبل بردگی را به آتش خواهند کشید و این ستون ارتجاع اسلامی را خواهند شکست. ۲۲ بهمن پیش درآمد بسیار خوبی برای ۸ مارس خواهد بود که زنان از هم اکنون برای بدور انداختن این سمبل بردگی و تحقیر زن خود را آماده کنند.



ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
- ۲- آزادی زندانیان سیاسی
- ۳- لغو مجازات اعدام
- ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
- ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
- ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش.
- ۷- آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
- ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و با قومیت و ملیت
- ۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایدای آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
- ۱۰- تأمین و تضمین یک زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به یک میلیون تومان

این فرمان جنبش آزادخواهانه مردم است. اینها خواستهای حداقل و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هر کس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند. مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد انقلاب انسانی برای
حکومت انسانی
زنده باد سوسیالیسم
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ بهمن ۱۳۸۸ - ۱ فوریه ۲۰۱۰

میزگرد ایسکرا با محمد آسنگران و منصور فرزاد ...

ازصفحه ۱



کوتاه نیست. اگر به عنوان کسی که در جریان این انقلاب بوده و اولین دوره فعالیت سیاسی خود را از اینجا آغاز کرده است بخوایم نگاهی به گذشته خود و انقلاب ۵۷ بیندازم، قطعاً نگاه امروز من به نسبت آنچه که آن دوره داشتم متفاوت است. آن دوره مثل همه جوانان و فعالین آن انقلاب امیال و آرزوی خود را در رفتن شاه میدیدم. فکر میکردم با رفتن شاه آزادی، برابری، رفاه و انسانیت در جامعه حاکم میشود. حال هر تعریفی که از این آرزوها داشتم. اما برای رسیدن به آنها مثل اکثر جوانان آن دوره حاضر بودم که هر نوع فداکاری و خطری را با جان بخرم.

روزی که خمینی به تهران رسید من احساسم با بسیاری از رفقایم متفاوت بود. کم نبودند کسانی که فکر میکردند با آمدن خمینی فضا متفاوت خواهد بود و مردم میتوانند از موانع بعد از شاه راحتتر عبور کنند. یا اینکه خمینی نمیتواند جامعه را مثل شاه به قبرستان تبدیل کند و فضای بازتری خواهیم داشت و... من همان دوره وقتی متوجه شدم یک آخوند که اسمش را در همین انقلاب شنیده بودم و هیچ آشنایی قبلی با او نداشتم، را به عنوان رهبر معرفی کردند، امید چندانی به تحقق آرزوهایم نداشتم. زیرا نه شکل ظاهری و نه افکارش مرا خوشبین نمیکرد. فرهنگ و ادبیات حرف زدنش برای من غریب و مایه تمسخر بود. اما در عین حال قاطعیتی در او میدیدم که مرا بیشتر به فکر کردن فرو میبرد. زیرا همان قاطعیت که اسمش را امر به معروف و نهی از منکر گذاشتند برای من ترسناک

و مایه نگرانی عمیق بود.

سال ۵۷ در این روز ما شاهد پایان یک دوره سیاه، اما متأسفانه آغاز یک دوره سیاهتر در تاریخ ایران هستیم. زیرا مدتها قبل از ۲۲ بهمن، انقلاب آزادیخواهانه مردم ایران بوسیله جریان اسلامی و کمک دول غرب سمت و جهت دیگری پیدا کرده بود. ما آن دوره کمتر به این مسئله دقت میکردیم. جریانات سیاسی چه و حتی لیبرال آن دوره اگر بشود به آنها لیبرال گفت، متوجه ابعاد و عمق و گستردگی این اتفاق نا میمون نبودند. از میان جریانات چه بخشا حتی خود به دنباله روان و معماران همان سناریوی جریان اسلامی تبدیل شدند.

البته این تغییر جهت و تسلط جریان اسلامی اتفاقی و ناگهانی نبود. زیرا هم دول غرب و هم رسانه های غربی از جمله بی بی سی با تصمیمات تعیین کننده و مهمی که بر سر ایران و آینده آن گرفتند، انقلاب را به سمتی سوق دادند که به مسلخگاه برود و رفت.

هنگامیکه بخش قابل توجهی از مردم را به جریان اسلامی و خمینی متوهم کردند راه سلاخی انقلاب را آسان نمودند. ضد انقلاب اسلامی بر پایه رواج توهم تئوری اسلام "مترقی" و "رهایببخش" و سنت ضد غربگرایی روشنفکران مذهب زده از یک طرف و کمک و همیاری دول غرب از طرف دیگر به قدرت رسید. اما از همان روز اول به قدرت رسیدنش شمشیر را از رو بست و مخالفینش را یکی بعد از دیگری از دم شمشیر اسلامی گذراند. از همان روز اول جنبش اسلام سیاسی، خود را به مرزهای ایران محدود نداشت و سرمشق آغاز تحولاتی در منطقه و جهان شد. چنانچه امروز آثار جهانی تروریسم جنبش اسلام سیاسی که با به قدرت رسیدن خمینی در ایران تحرك بسیار قدرتمندی را آغاز کرده بود برای همگان قابل رویت است.

در دهه ۶۰ جمهوری اسلامی جامعه ای انقلاب کرده و امیدوار

را به جامعه ای نا امید و سرخورده تبدیل کرد. شکست انقلاب آزادیخواهانه مردم چنان تاثیر مخربی داشت که بعد از ۳۰ سال از آن شکست هنوز کسانی پیدا میشوند که از سر لعن و نفرین از آن انقلاب یاد کنند. گویا مردم اشتباه کردند و آن تحول عظیم انقلاب نبود و یا نباید مردم انقلاب میکردند و غیره... به هر حال بعد از شکست انقلاب صف شکست خوردگان دهها برابر صف انقلابیون و کمونیستها بودند. اما کمونیستهایی که احساس سرخوردگی از انقلاب نکردند و به نقد و بررسی موانع و مشکلات نشستند و راه انقلاب دیگری را مهیا کردند تعدادشان بسیار کم بود.

اتفاقا به دلیل تجربیات تلخ شکست انقلاب ۵۷ و مقاومتها و جان سختیهای تا کنونی جمهوری اسلامی بعضی از جریانات سیاسی هنوز از زیر آوار تاثیرات شکستهای گذشته بیرون نیامده اند. به همین دلیل بسیاری از جریانات چه هنوز به خود جرات نمیدهند که با اعتماد بنفس به میدان بیایند این جنبش انقلابی جاری را با اسم و رسم خودش به رسمیت بشناسند. زیرا به قول معروف میگویند "مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید میترسد" فکر میکنند تا روز پیروزی انقلاب نباید به این خیزش انقلابی مردم نام انقلاب بنهند. البته کسانی هم هستند که فکر میکنند بر اساس الگوهای ذهنی آنها باید جامعه راه برود تا آنها لطفی نشان بدهند و تفقد بفرمایند که این انقلاب آزادیخواهانه را به رسمیت بشناسند. اما آنچه که باید امروز مورد تاکید قرار گیرد این است که این انقلاب از چه نقطه قوتهایی برخوردار است؟ تفاوتش با انقلاب قبلی چیست؟ چگونه میتواند به پیروزی برسد؟ اینها سوالاتی است که میتوان و باید به آنها پرداخت.

نسل جوان امروز با دیدن تجربه رژیم اسلامی و وجود امکاناتی از نوع اینترنت و

ماهواره و... برای کسب شناخت از دنیا و حقوق و سهم خود به این نتیجه رسیده است که انقلاب دیگری را تجربه کند. این نسل تجربه شکست نسل قبلی را ندارد. نه تنها سرخورده نیست بلکه تمام سهم خود را از زندگی میخواهد. استاندارد زندگی در ممالک پیشرفته را میشناسد و به کمتر از آن رضایت نمیدهد. کف مطالبات این نسل، زندگی کردن در شرایطی است که جوانان و مردم در کشورهای غربی به آن دست یافته اند. این نسل بر خلاف نسل شرق زده سال ۵۷ نسلی کاملاً غربگرا و مدرن است. تئوریهای اسلام "رهایببخش" و مذهب "مترقی" برای این نسل به معنی توهین به شعور انسان، به معنی سرکوب آزادیها و ممنوعیت خنده و موزیک و رقص و... است. ارزیابی این نسل از مکاتب فکری هم بسیار متفاوت با نسل قبل از خود است.

این نسل با تمام وجود حکومت مذهبی را تجربه کرده و شناخته است، اتفاقاً به همین دلیل آنرا نمیخواهد. این هیولایی که مردم ایران بویژه نسل جوان با آن دست و پنجه نرم میکنند سر افعی اسلام سیاسی در جهان است. قلب جنبش اسلام سیاسی در ایران می تپد. به زیر کشیدن جمهوری اسلامی در عین حال به معنی پایان تاریخی این جنبش برای سهم خواهی در جهان است. به این معنی تحول مهمی در ابعاد منطقه ای و حتی جهانی محسوب میشود. رهایی مردم ایران و به زیر کشیدن جمهوری اسلامی تحولی عمیق و همه جانبه ای در ایران با تاثیراتی جهانی خواهد بود. به همین دلیل رفتن جمهوری اسلامی میتواند بسیار پیچیده تر و چند وجهی تر در مقایسه با رفتن شاه باشد. زیرا رفتن شاه به معنای پایان جنبش ناسیونالیستی نبود اما رفتن جمهوری اسلامی به معنای پایان تاریخی حکومتهای منبعث از جنبش اسلام سیاسی است.

واقعیت این است که با به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی یک عقبگرد تاریخی به جامعه ایران تحمیل شد تا بتوانند حکومت اسلامی را در قدرت

تثبیت کنند. اما این عقبگرد تاریخی نمیتوانست یک روند پایدار در تاریخ بشر باشد. زیرا تاریخ بشر نمیتواند روندی عکس خود را در یک یا چند کشور تحمل کند. واقعیت این است که ۳۰ سال دوام و بقای جمهوری اسلامی فقط با یک نسل کشی ممکن شده است. اما این وصله ناجوری که به تاریخ ایران سنجاق شد در عین حال مرهون اتفاقات جهانی از نوع رقابت شرق و غرب و تبعات پایان این جهان دو قطبی بود. اکنون هم به حکم روند تکامل تاریخ بشری و هم به حکم عدم مشروعیت این رژیم از نظر مردم ایران و هم به دلیل نفرت جهانی از چنین سیستم حکومتی و قوانینی امکان ادامه عمر آن به یک امر غیر ممکن تبدیل شده است.

منازعات و اختلاف منافع قدرتهای جهانی هم آن چنان نیست که به مانند دوران جهان دو قطبی چنین رژیمی بتواند در شکافهای آنها و در رقابت بایکی و دوستی با دیگری امکان بقا داشته باشد. همه این فاکتورها از منظر سرمایه و کارگر، هر دو در پایه ای ترین سطح حکم به غیر قابل تحمل بودن چنین رژیمی داده اند. اما اگر دول غرب با احتیاط حرکت میکنند از این نظر است که نگران آینده منافع خود در منطقه هستند. زیرا هنوز آلترناتیو قابل قبولی برای جمهوری اسلامی ندارد. اتفاقاً در چنین شرایطی تعجیل کارگران و مردم آزادیخواه ایران برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی اگر چه مشکلتر به نظر میرسد اما شرایط مناسبتری برای به قدرت رسیدن یک حکومت چپ و آزادیخواه را در افق میبینند.

عبدل کلریان: شما بعنوان یکی از فعالین انقلاب ۵۷ در کردستان و مشخصاً در شهر سنندج تجارب ارزنده ای از تحولات در آندوره را پشت سر گذاشته اید. اگر بخواهید تشابهی از رویدادهای مهم و کلیدی دوران قیام بهمن را با شرایط انقلابی امروز بیان کنید به چه جنبه هایی اشاره می کنید؟

منصور فرزاد: طبعاً مبارزات این

میزگرد ایسکرا با محمد آسنگران و منصور فرزاد ...

ازصفحه ۳

دوره با انقلاب ۵۷ تفاوت های بسیاری دارد اما از جنبه هائی میتوان مواردی را بعنوان تشابه بر شمرد . اولین مورد در رابطه با اهداف و مطالباتی است که توده میلیونی مردم مطرح کرده اند . خواست پایه ای مردم در انقلاب ۵۷ و قیام ۲۲ بهمین نيزاعتراف به بی عدالتی، برچیدن زندان و اعدام و بدست آوردن آزادی و رفاه بود که بطور فشرده خود را در سرنگونی رژیم شاهی و شعار آزادی نشان میداد. در حال حاضر نیز وضعیت همین مسیر را دارد و دیگر برای کسی تردیدی وجود ندارد که مهمترین هدف این جنبش از سر راه برداشتن جمهوری اسلامی و یا حکومت مذهبی است. مردم در سالهای قبل بعناوین و اشکال مختلف نشان داده اند که خواهان برچیدن این حکومت آدم کش و دزد هستند و بویژه در چند ماهه اخیر بطور وسیع و میلیونی علنا و رو در رو بنیادهای اساسی جمهوری اسلامی را نشانه گرفته اند. این جنبش که به قدمت جمهوری اسلامی در جریان بوده است، کاملاً بر این امر واقف است که با وجود جمهوری اسلامی کوچکترین امکانی برای کسب آزادی و رفاه شهروندان وجود ندارد. همین مسئله یکی از پایه ای ترین تشابهات این جنبش با انقلاب سال ۵۷ است .

مورد دیگر حضور گسترده و میلیونی مردم در اعتراضات در هر دو دوره است مردم در صحنه حضور دارند و میخواهند سرنوشت خود را بدست بگیرند به همین دلیل بسادگی نمی توان از بالای سر مردم تصمیم گرفت و حکومتهاهی ضد مردمی را به نام دمکراسی و حقوق بشر تحویل داد و مردم را بخانه فرستاد تا دوباره سرکوب و خفقان را حاکم کنند. اگر در سال ۵۷ حکومت ارتجاعی خمینی با کمک غرب و نقشه دول غربی در کنفرانس گوادولوپ و دفاع و پشتیبانی جریانات ملی مذهبی مانند حزب توده و جبهه ملی توانست قدرت را بدست بگیرد و به نام انقلاب، انقلاب عظیم مردم را بالاخره در سال ۶۰ سرکوب کند، اما در انقلاب کنونی به دلیل همین تجربه تاریخی

و آگاه بودن مردم و وجود حزبی مانند حزب کمونیست کارگری ایران، راه بند و بست از بالا بسیار مشکل تر و حتی غیر ممکن شده است . در سال ۵۷ مردم بطور وسیع و میلیونی در کلیه شهرهای ایران شرکت داشتند و باید در نظر داشت که پیش رفتن و تکامل این حرکت وسیع مردمی، تابعی از سازمان یابی فعالین در محلات و رهبران عملی مبارزات اجتماعی بود. شکل گیری انقلاب ۵۷ و بویژه قیام ۲۲ بهمین بدون متشکل بودن و همکاری جمعی مردم و بویژه جوانان در محلات امکان پذیر نبود. در سال ۵۷ شوراهای سراسری در تهران و شمال و جنوب ایران در کارخانه های متعددی شکل گرفت و در بسیاری از محلات در شهرهای مختلف بمدت چندین هفته و در مواردی چندین ماه محلات تحت حاکمیت مردم محله بود. در سندنجد بنکه در کلیه محلات شکل گرفت، بنکه ها مراکزی بودند که بعد از قیام در هر محله بوجود آمدند که کلیه کارهای مربوط به مردم آن بخش را با کمک همکاری بی دریغ مردم انجام میداد. بنظر من وجه تشابه دیگر انقلاب کنونی با سال ۵۷ درجه آگاهی و تشکل یابی آن است. شرکت گسترده مردم در روز ۶ دی ماه روز عاشورا و پاره کردن عکس خامنه ای و شعار محوری مرگ بر اصل ولایت فقیه، کنترل چند منطقه در تهران و درگیری و جنگ و گریز، به آتش کشیدن موتورهای لباس شخصیها و نیروهای حزب اله، بدون درجه بالائی از تشکل و ارتباط منظم رهبران عملی میسر نبود. این جنبه یکی از جنبه های مهم در مبارزات مردم بر علیه رژیم است که باید از طرف کلیه رهبران محلی، سراسری مورد توجه خاصی قرار بگیرد.

عبدل گلپریان: امسال ۲۲

بهمین قطعا با سالهای قبل بسیار متفاوت است. متفاوت از این رو که از خرداد امسال تمام روزها و مناسبتهای شناخته شده را مردم به کابوسی برای کل نظام جمهوری اسلامی تبدیل کرده اند. اما ۲۲

قدرت خود و پیام محکم خود را در این روز رساتر از همیشه به جهانیان مخابره خواهند کرد. اما لازم است اینجا تاکید کنم رویا رویی مردم و جمهوری اسلامی و نتایج آن در ۲۲ بهمین به هر سمتی سنگینی کند میتواند کل جنبش آزادیخواهانه مردم را وارد فاز جدیدی بکند.

عبدل گلپریان: منصور فرزاد

شما به بنکه های محلات و شورای شهر سندنجد در آندوره اشاره کردید که اعمال اراده جاکمیت مردم را نشان می داد. بد نیست سئوالم را اینگونه مطرح کنم که اخیرا تشکل شوراهای کارگری که در ذوب آهن اصفهان استارت آن زده شده، برای سفت تر شدن زمین انقلاب و در این دوره، چه نگاهی به تاسیس شوراهای محلات، شوراهای کارگری در کارخانجات و کلا در میان بخشهای مختلف جامعه کردستان دارید؟

منصور فرزاد: بنکه های محلات

و شورای شهر سندنجد مراکز و ارگانهائی علنی بودند که بعد از انقلاب و در شرایطی شکل گرفتند که جمهوری اسلامی هنوز توان سرکوب نداشت و فضای باز سیاسی نسبی برقرار بود. در شرایط کنونی فعلا نمیتوان شوراهای محلات و یا بنکه ها را به آن صورتی که بعد از قیام ۲۲ بهمین شکل گرفتند بوجود آورد. اما با توجه به ویژگیهای مبارزات مردم ایران میتوان تشکلهای مناسب آترا شکل داد. مبارزه در ایران بسیار ویژه و دارای جنبه های بسیار قدرتمندی است . در ایران نه يك جبهه بلکه چندین جبهه اصلی نبرد بر علیه رژیم اسلامی باز شده است. مبارزه بر علیه اعدام و شکنجه، مبارزه بر علیه سرکوب سیستماتیک زنان ، مبارزه کارگران برای آزادی های سیاسی و تشکل، افزایش دستمزدها و اعتراض به بی حقوقیها - مبارزه بر علیه آیت اله های میلیاردر، بر علیه اختناق و سرکوب ، مبارزه بر علیه فحشا و اعتیاد، مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، مبارزه برای احقاق حقوق کودک، مبارزه هر روزه مردم بر علیه گشتهای حزب اله و لباس شخصیها، اعتراض مداوم به سیستم قضائی ارتجاعی، تحقیر مراجع مذهبی و مسخره کردن خرافات و

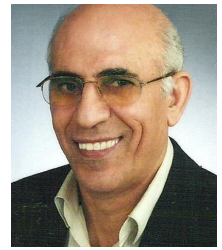
غیره اینها چندین جبهه مبارزه مردم را تشکیل میدهد. در رابطه با هر کدام از این عرصه ها تشکلهای گوناگونی در چند ساله اخیر شکل گرفته اند و هر کدام از تشکلهای دارای رهبران و اعضای فعالی هستند که در جامعه نسبتا ریشه دوانیده اند. پیشروی و موفقیت هر کدام از این عرصه ها راه را برای گسترش و تکامل عرصه های دیگر فراهم میکند و در واقعیت امر اینها همه انعکاس يك حرکت سیستماتیک و بهم پیوسته ای است که رفاه و آزادی افراد جامعه را مد نظر دارد. بنظر من یکی از راههای پیشروی عرصه های نامبرده، گسترش آن به هر شهر و منطقه و محله ای است. باید در تمام مدارس، دانشگاهها، کارگاه و کارخانه و کلیه محلات این تشکلهای را بوجود آورد باید فضا را بر نیروهای رژیم و حزب الهی ها تنگ کرد و امنیت و اتحاد و همکاری مردم را افزایش داد.

تاسیس شوراهای در کارخانه و محلات در شرایط کنونی باید به این امر کمک کند و زمینه فعالیت در عرصه های مختلف را فراهم کند. به هر درجه ای که هدف تشکل شوراهای فعال کردن و گسترده کردن عرصه هائی از این مبارزات باشد، به همان درجه امکان موفقیت دارد. لازم است به این نکته اشاره کنم که در دوره قیام ۵۷ و چندین ماه بعد از آن امنیت شهرها وجود فضای باز و آزاد، همکاری و اتحاد مردم بیش از هر وقت دیگر بود. اگر تاسیس شوراهای در کارخانه و محلات بتواند خواسته های مردم حیطه نفوذ خود را بیان کند و راه فعالیت همه جانبه مردم را که در بالا به بخشی از آن اشاره کردم را هموار کند و در عین حال در ارتباط و هماهنگی با تشکلهای دیگر قرار داشته باشد، بی شک به درجه زیادی همان همکاری و اتحادی را که بعد از قیام ۵۷ شاهد آن بودیم رانسیستا بوجود خواهد آورد و بخش بسیار وسیعتری از مردم و کارگران را بطرف خود جلب خواهد کرد .

عبدل گلپریان: میلیتاریسمی

که در شهرهای کردستان حاکم است مانع از دخالت فعال مردم کردستان در پیوستن و همراهی با

بازی را کسی می برد که اشتیاق برود داشته باشد



محمدامین کمانگر

سالهای طولانی است که کار و فعالیت کمونیستی توسط طبقات حاکم و دولتهایشان ممنوع و غیر قانونی اعلام شده است و همیشه سهمی از درآمد دولتها به عنوان مختلف صرف تبلیغات زهرآگین علیه کمونیسم و کمونیستها شده است. نظامی بر جامعه حاکم بوده که کمونیستها را وادار به کار و فعالیت زیر زمینی کرده است. سرکوب و شکنجه و کشتار چنان وحشیانه بوده که کمونیستها نه دارای دفاتر علنی بوده اند و نه توانسته اند در میادین و مراکز عمومی اهداف انسانی خود را تبلیغ کنند تا مردم بدانند که کمونیسم چیست و کمونیستها چه کسانی هستند و اساسا چه می خواهند؟ و همیشه سد و موانعی را ایجاد کرده اند تا مردم را از کمونیستها دور کنند تا نتوانند به راحتی به جریانهای چپ پیوندند. بجز موارد نادری که حکومتها دچار دگر گونیهایی شده اند، در آن فضای گذرا و در مسیر دست بدست شدن حکومتها، موقتاً فضایی سیاسی باز شده است که کمونیستها و طبقه کارگر توانسته اند در آن کوتاه مدت نفسی بکشند و ابراز وجودی بکنند. اما به محض سرو سامان گرفتن دوباره حکومتها، اولین وظیفه این دولتها اولین حرکت رو به جامعه حاکمین تازه به قدرت رسیده، حمله به دسترنج کارگران و زحمتکشان و جلوگیری از اشاعه نظرات چپ و ضربه زدن به کمونیستها و فرستادنشان به سیاهچالها بوده است. این فشار اعمال شده بر کمونیستها نحوه ابراز وجود آنها را حول مسائل جامعه عمیقاً تغییر داده و اساساً جریانهای چپ و کمونیستها را به انزوا کشانده است.

در طی دورانهای طولانی و عادت به این شیوه مبارزه، چپ و خود کمونیستها به این باور رسیده اند که کار و فعالیت کمونیستی و سوسیالیستی چنین است. فعالیت در ابعاد چند نفره در حوزه و هسته های مخفی، همیشه تلاش برای حفظ خود، گوشه گیر، خجول و بی تأثیر بر زندگی مردم، این فرهنگی بود که بر این چپ حاکم کردند و چپ در آن ذوب شد، دقیقاً این آن چیزی است که بورژوازی و پلیس سیاسی می خواسته و هم چنان می خواهد. پیامد این حرکت ضد کمونیستی چه بوده است؟ خارج کردن جنبشی انسانی که در اصل کارش، فعالیتش، سیاستهایش دخالت در جامعه و تغییر و تحولات اساسی و ریشه ای در آن بوده است اما در دوره های طولانی مدت چنان سرکوب شده است که هنوز هم هویت اصلی بخشی از چپ کماکان چنین است و در این فرهنگ حل شده و خود را متصل به آن سنت می داند. نمی خواهد از دیوار آهینی که دولتها به دورش کشیده اند بیرون بیاید. می خواهد همیشه اپوزیسیون باشد و اپوزیسیون باقی بماند و هنوز هم احساس می کند که شرایط برای کمونیسم مهیا نشده است. هنوز از علنی کردن اسم خود هراسناک است. واز این شیوه زندگی هم خیلی راضی است. حتی اگر فرصتی دست دهد که بتوان در آن ابراز وجود دیگری کرد، از آن استفاده نخواهند کرد. چون به باور این چپ، کار کمونیستی هنوز یعنی کار مخفی، هنوز باید اهرم فشار بود. چپی که توسط تکنولوژی امروزه نمی تواند از قفس بیرون بیاید، ربطی به جامعه امروز ندارد. چپی که هنوز دماسنج جامعه موجود را نمی شناسد، این یعنی چپ منجمد، یعنی چپ سنتی. بازتاب چنین موقعیتی در شکلگیری و شکل دادن به مواضع، افق، سیاستها و دیگر عملکردهای این چپ تأثیر مستقیم و بلاواسطه دارد. زمانی که پای قدرت سیاسی توسط کمونیستهای دخالتگرو امروزی مطرح می شود این بخش از چپ، گیر پیدا می کند، در حوزه کار و فعالیت خود ترمز می کشد و زمین گیر می شود، نمی خواهد از

آن قالب سنتی بیرون بیاید. و شرایط را آنچنان که هست ببیند. تحلیلش، بحثش، مداوماً بر می گردد به گذشته و ربطی به جامعه موجود ندارد. چه رسد به گرفتن قدرت سیاسی و خم شدن روی مکانیسم های آن، کسی در بازی شرکت می کند که اشتیاق برود داشته باشد. اما برای این چپ بحث در مورد تصرف قدرت سیاسی مثل مسلمانها برایش کفر است. پائین تر توضیح خواهم داد که در چه شرایطی است که کمونیستها با بدست گیری یک حفاظ امنیتی و هویتی در مقابل یک حکومت دیکتاتور، ضد کمونیسم و ضد انسان می توانند برای پیشبرد و تحقق اهداف انسانی خود بهترین استفاده را از شرایط موجود بکنند. بخصوص در شرایط امروز ایران.

اما در اساس، پایه و مبارزه بلافصل چپ و سوسیالیستی یعنی در هم کوبیدن این فضای سیاسی و این جو پلیسی که به چپ تحمیل کرده اند، به وجود آوردن فضا و شرایطی که چپها، کمونیستها بتوانند علناً فعالیت کنند. با اسم رسم خود صحبت کنند. جنبشهای اعتراضی را راه ببیاندازند، توده های میلیونی را بسیج و رهبری کنند. به وجود آورنده جو و فضایی باشند که مردم بتوانند آزادانه فکر کنند، آزادانه انتخاب کنند، به احزاب چپ و کمونیستی پیوندند، سؤال کنند، نقد کنند، که چرا کار و فعالیت کمونیستی را ممنوع کرده اند. در عین حال کمونیستها بتوانند شفاف راه حل انسانی و سوسیالیستی خود را برای تغییر زندگی انسانها ارائه دهند و بورژوازی و راست جامعه را، در هر شکل و شمایل و لباسی که در آیند با نقد عمیق کمونیستی خود افشا کنند. در میادین شهرها برای توده میلیونی توضیح دهند که پرونده سازی که دشمنان کمونیسم علیه کمونیستها راه انداخته اند ناشی از چه چیزهای می باشد.

وقتی نظرات مارکس را می خوانید و قتیکه مارکس از دخالت کمونیستها در تغییر جامعه برای بهتر زندگی کردن انسانها صحبت

می کند، وقتی که به عمق کمونیسم مارکس دست می برید تلاش انسانها برای تغییر جامعه را می فهمید. اینکه باید بروید به سراغ جامعه و به سراغ انسانهای شریفی که در آن زندگی می کنند، بروید به سراغ کارگران چپ و کمونیستی که می توانند جامعه را زبرو رو کنند. فلسفه وجودی کمونیستها و مارکسیستها، دخالتگریشان در جامعه برای تغییر آن است. جوهر مارکسیسم یعنی این، و کلام مارکس یعنی نقد عمیق کمونیستی به جامعه موجود و تغییر آن به نفع بشریت. در یک کلام مارکس می گوید، جامعه را باید تغییر داد نه تفسیر کرد.

این یعنی کمونیسم امروز، یعنی کمونیسم مارکسی، یعنی کمونیسم کارگری. این کمونیسم نه تنها می تواند سد اختناق را متلاشی کند و دارد این کار را می کند، بلکه هدف فوریش، تغییر جامعه موجود و جایگزینی آن به جامعه انسانی و سوسیالیستی است. این کمونیسم پرچم انسانیت را بر پا داشته است و در عرصه های وسیع دارد به مسائل متنوع مبارزه سیاسی و طبقاتی اجتماعی جامعه پاسخ می دهد و برای ریشه ای ترین تغییرات در جامعه موجود بی وقفه تلاش و مبارزه می کند. می خواهد آنچه را که در برنامه اش یک دنیای بهتر نوشته شده است به پراتیک در بیاورد. اما برای به پراتیک در آوردن آن قبل از هر چیز باید نظام اسلامی و بورژوازی حاکم را خلع ید کند و قدرت سیاسی را متصرف شود و آزادی و برابری و رفاه را در سطح جامعه به بالا ترین درجه انسانی رساند، این یعنی تغییر جامعه، این یعنی کلام مارکس تغییر جهان نه تفسیر آن. این آن اختلافی است که حزب ما با سایر جریانهای چپ و کمونیسهایی که حاضر نیستند در این قامت ظاهر شوند دارد. چون می گوید پای اصلی این دعوا من هستم، پای اصلی این دعوا باید کمونیستها و سوسیالیستها باشند.

در جنبش امروز سوسیالیستها و کمونیستهای دخالتگر چه وظایفی را به عهده دارند؟

امروز جنبش اعتراضی مردم وسیعاً و در ابعاد میلیونی پا به

خیابانها گذاشته است و رژیم اسلامی را در سراسری سقوط قرار داده است. اما در این شرایط حساس و وظیفه کمونیستها و سوسیالیستها چه در کارخانه ها و چه در دانشگاهها چه در مدارس و محلات مخصوصاً در تظاهراتها چه باید باشد؟ همه می دانیم این دوستان شناخت کاملاً روشن و دقیقی از روند رو به رشد این اعتراضات و درندگی دشمن دارند و تا کنون در این مسیر قدمهای استوار، ابتکارانی با ارزش و شاهکارهای بی نهایت عظیم و غیر قابل باوری از خود نشان داده اند. اما این در نفس خود کافی نیست.

باید نقش چپ، نقش سوسیالیستها در آینده نزدیک نه تنها خیلی پررنگ شود، بلکه باید از این پس سعی شود که رهبری اوضاع را بدست گرفت و چپ در مقابل جریانهای سیاسی ای که هر یک خود را میراث خوار رژیم اسلامی می دانند باید به زبان خود سخن بگوید. جنبش صریحاً دارد پولاریزه می شود و به دوران سرنوشت سازی پا گذاشته است. در این شرایط و در این فضای انقلابی و این انقلاب چه راهی و چه مسیری را دارد می پیماید؟ چه سرنوشتی در مقابل مردمی که در طول سی سال برای آزادی و برابری در مقابل نظام کثیف اسلامی جنگیده اند قرار دارد؟ این مسئله در این شرایط سرنوشت ساز به این امر مهم بستگی دارد که پرچم این جنبش، پرچم این انقلاب در دست چه جریان و چه اجزایی باید قرار بگیرد؟ تا سرنوشت مردم به بربریت دیگری منجر نشود. در همین جا باید گفت که امروز وظیفه چپ، وظیفه سوسیالیستهای دخالتگر این است که متحدانه مسیر این انقلاب را بسوی سوسیالیسم و نظامی انسانی هدایت کنند. حزب ما برای تصرف قدرت سیاسی و برقراری جامعه سوسیالیستی و یک حکومت انسانی مبارزه می کند. جامعه ای که اساسش نه بر پایه اصول اخلاقی و نصاب مذهبی، بلکه بر پایه نظامی که اساساً در آن انسان به انسانیتش و به شأن و حرمت انسانی اش باز گردانده می شود. ادامه دارد.

میزگرد ایسکرا با محمد آسنگران و منصور فرزاد ...

از صفحه ۴

اعتراضات خیابانی مردم در ابعاد سراسری است. اما همزمان بعضی از جریان‌های سیاسی هم نپیوستن مردم به این اعتراضات را نشانه آگاهی و هوشیاری مردم قلمداد کرده‌اند و این موضوع را مثبت ارزیابی میکنند! نظر شما در این مورد چیست؟ جواب به این سوال از این منظر اهمیت دارد که ما داریم به روز ۲۲ بهمن نزدیک میشویم آیا مردم در کردستان به این سیل خروشان خواهند پیوست و به خیابان خواهند آمد یا هنوز موانع پیش رو این مجال را فراهم نکرده است؟

محمد آسنگران: اولاً باید عرض کنم همچنانکه شما هم گفتید مانع اصلی به میدان نیامدن مردم کردستان در ابعاد توده ای وجود میلیتاریسم خشن نیروهای مسلح رژیم در کردستان است. اما جریانی که عدم تظاهراتهای توده ای در شهرهای کردستان را مثبت و در جهت سیاست خود ارزیابی میکند، به نظر من بیش از هر چیز عدم کفایت خودش را اعلام کرده است. من میفهمم جریانی اعلام کند نهایت تلاشش را برای سازمان دادن و به میدان آوردن مردم علیه جمهوری اسلامی انجام داده است اما به هزار و یک دلیل فعلاً موفق به این کار نشده است. ولی اگر جریانی تلاشش بر این باشد که مردم به میدان نیایند و به این سیل خروشان علیه جمهوری اسلامی نپیوندند، به این معنی است که خود آن جریان به سد و مانعی برای به میدان آمدن مردم تبدیل شده است. چنین جریانی با اعلام این سیاست اگر مشکوک و یا مدافع رژیم اسلامی نباشد، فلسفه وجودی خود را زیر سوال برده است. و مردم آنرا جریانی در مقابل انقلاب خود میبینند.

اما اینجا اجازه بدهید نکاتی را مورد توجه قرار بدهیم که در کردستان موثر بوده‌اند. واقعیت این است که خیزش انقلابی در تهران و دیگر شهرهای ایران زیر پوشش و به بهانه تقلب در انتخابات آغاز شد. این موضوع

برای مردم کردستان نمیتوانست محرکی جدی محسوب شود. زیرا اکثریت قریب به اتفاق مردم به هیچکدام از کاندیداها رای نداده بودند. بنابر این در کردستان حفاظتی از نوع اصلاح طلبان مثل موسوی و کروبی هم موضوعیت نداشت. علاوه بر این تظاهراتهای ادامه دار در تهران و دیگر شهرهای ایران اکثراً در روزها و مناسبتهایی اتفاق افتاده است که در طول عمر رژیم اسلامی به عنوان روزهای حکومتی شناخته شده هستند. مانند روز قدس، بهانه نماز جمعه رفسنجانی، عاشورا و حتی ۱۳ آبان... این مراسمهای در کردستان در هیچ دوره ای با شرکت مردم برگزار نشده است. در سالهای قبل و در طول عمر رژیم اسلامی چنین روزهایی فقط با شرکت نیروهای نظامی و عوامل حکومت برگزار شده‌اند. مردم و جمهوری اسلامی از همان اوایل سال ۵۸ به عنوان دو جبهه متخاصم و در حال جنگ در مقابل همدیگر بوده‌اند. حتی عوامل بومی حکومت هم در این مناسبتها کمتر شرکت میکردند.

بنابر این چنین مناسبتهایی هم نمیتوانست یک محرکه اجتماعی قوی برای دخالت توده مردم ایجاد کند. با همه این اوصاف اکنون و در این مرحله بویژه بعد از حدود ۸ ماه از ادامه اعتراضات میلیونی مردم در ابعاد سراسری به نظر میرسد که وارد مرحله دیگر و فاز دیگری از ادامه اعتراضات خیابانی شده ایم. در شرایط کنونی تنها مانع جدی برای ورود مردم به خیابان در ابعاد وسیع و توده ای، فضای سرکوب بیرحمانه و میلیتاریزه شدن شهرها است. بنابر این مردم کردستان مترصد فرصتی هستند که به این سیل خروشان در ابعاد سراسری بپیوندند. واقعیت این است که همه مردم کردستان همانند دیگر مناطق ایران امیدشان را به پیروزی این انقلاب گره زده‌اند

روز ۲۲ بهمن میتواند یکی از آن فرصتها باشد که مردم کردستان و همه فعالین جنبشهای

اجتماعی باید تلاش کنند موانع پیش رو را کنار زده و به میدان بیایند.

عبدل گلریبان: سئوالاتم رو به منصور فرزاد بیشتر به جنبه های عملی تری مربوط شد. راستش دلیل آن این بود که در قبل از انقلاب بهمین و بعد از آن نیز شما فعال حرکتی توده ای و اجتماعی در میان مردم بودید، چه رهنمود مشخصی برای فعالین چپ و کمونیست، برای جوانان در شهرهای کردستان دارید؟ در ۲۲ بهمن و کلا در دل انقلابی که جریان دارد، امر سازماندهی توده ای را چگونه پیش پای آنها می گذارید؟

منصور فرزاد: در کردستان زمینه برای ایجاد تشکلهای توده ای بسیار مهیا است. در حال حاضر تشکلهایی در میان کارگران، کودکان، زنان شکل گرفته و در عین حال جمعهای زیادی فعالیتتوانی بر علیه اعتیاد انجام داده‌اند. به این موارد میتوان خواسته های رفاهی و اجتماعی دیگر را که در اعتراضات مختلف طرح شده را اضافه کرد.

خواسته های نظیر ایجاد امکانات رفاهی برای کلیه مردم، تامین و تضمین مسکن مناسب، ارائه خدمات رایگان پزشکی و آموزشی و فرهنگی، آموزش عمومی اجباری و رایگان تا سن ۱۶ سالگی، ایجاد کلیه تسهیلات شهری (برق، آب، تلفن، مراکز آموزشی و پزشکی و فرهنگی) و موارد دیگر. اکثریت مردم حول این خواسته ها جمع شده‌اند و طرح چندین باره این خواسته ها در اعتراضات و مبارزات مردم، خود نشان از درجه ای از تشکل در بین مردم دارد به همین جهت زمینه شکلگیری چنین تشکلهایی در رابطه با مسائل رفاهی و اجتماعی مانند مسئله مسکن و اعتیاد وجود دارد. شکل گیری چنین تشکلهایی سطح توقع و آگاهی مردم را بالا میبرد و به همین جهت نه تنها مبارزه را بر علیه رژیم و هر جریان ضد مردمی دیگر عمیق و گسترده تر میکند، بلکه برای فردای بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی، اهمیت بسزایی خواهد داشت.

همانطور که اشاره کردم زمینه ایجاد تشکل در شهرهای کردستان زیاد است و بویژه فعالین چپ و کمونیست باید به امر سازمان یابی مردم اهمیت فوق العاده ای بدهند. مردم در جبهه های مختلفی با رژیم اسلامی درگیر هستند. به هر درجه ای که تشکلهای وسیع و توده ای شکل بگیرد به همان درجه امکان اتحاد و همکاری بین مردم تضمین شده تر است. زیرا که ایجاد تشکل باعث اتحاد بیشتر میشود و در ثانی سطح توقع مردم را از زندگی بالا میبرد. بهترین و عملی ترین راه برای ایجاد تشکلهای وسیع در میان مردم فعالیت نقشه مند در محلات و محل کار است. فعالین کمونیست در محل کار و زیست خود بصورت جمع و یا کمیته ای متحد باید عمل کنند و همان فعالیتتوانی را در دستور قرار دهند که در قسمت پایانی سؤال قبلی جواب داده ام.

نکته ای را اضافه کنم که در شرایط فعلی در برخی مناطق میتوان محله را به درجه ای تحت کنترل قرار داد و باید در این شرایط تلاش کرد که ابزار وجود نیروهای رژیم را در شهر و محله با مشکل روبرو کرد. برداشتن روسری، بالابردن فضای امن برای ابراز وجود زنان در مراسمها، مدارس، ادارات و محل کار،

اعتراض دسته جمعی در مقابل هر نوع خشونت نیروهای انتظامی، پشتیبانی و همدردی با خانواده های زندانیان سیاسی، اعتراض شدید و صریح با اعدامهای اخیر و ایجاد تشکل بر علیه اعدام در هر محله، نوشتن هر روزه شعار بر علیه رژیم اسلامی و بر در دیوار، تکثیر بیانه های حزب کمونیست کارگری از جمله سکولاریسم، تنگ کردن عرصه مانور بر افراد شرور و یا جاسوس در محلات (به هر نحوی که فعالین در محل تشخیص میدهند) از جمله اقداماتی است که باید انجام داد. چنین فعالیتتوانی راه نفوذ جریانات قوم پرست و ناسیونالیست را که اکنون با شعار حقوق بشر و طرفداری از جناح "اصلاح طلب" حکومت اسلامی ب میدان آمده اند را مسدود خواهد کرد. در عین حال باید مردم را هر چه بیشتر متوجه اهداف و سیاستهای ضد مردمی این احزاب کرد و در هر مرحله سیاستهای واقعی آنها را نشان داد.

عبدل: با تشکر از شما برای شرکت در این میز گرد.

اطلاعیه درباره دیدار هیات های رهبری حزب کمونیست کارگری ایران و حزب کمونیست ایران

آنها روشن کردند. بر این اساس طرفین علیرغم وجود پاره ای تفاوت های نظری و تحلیلی مشخص در تبیین اوضاع کنونی، بر ضرورت همکاری در زمینه های مختلف تاکید کردند و توافق نظر داشتند که اینگونه نشست ها را با هدف ایجاد وحدت نظر و همکاری بیشتر ادامه دهند. در همین راستا بر روی پاره ای از همکاریهای عملی مشترک نیز توافق بعمل آمد.

به اطلاع می رسد که در پاسخ به نیازهای مبارزات انقلابی جاری در ایران و در جهت تقویت جنبش چپ و کمونیستی، در تاریخ ۳۰ ژانویه ۲۰۱۰ برابر با ۱۰ بهمن ۱۳۸۸ هیات مرکزی از رفقا حمید تقوایی، اصغر کریمی و محمد آسنگران از طرف رهبری حزب کمونیست کارگری و رفقا سروه ناصری، ابراهیم علیزاده و هلمت احمدیان از طرف رهبری حزب کمونیست ایران با هم دیدار کردند.

در این نشست طرفین در فضائی گرم و صمیمانه به تفصیل تبیین خود را از اوضاع سیاسی جاری طرح کردند و جوانب مختلف، نقاط اشتراک و تمایزات

حزب کمونیست ایران
حزب کمونیست کارگری ایران

۱ فوریه ۲۰۱۰
۱۲ بهمن ۸۸

دست مذهب از جامعه کوتاه! بیانیه حزب کمونیست کارگری در مورد موازین سکولاریسم در ایران

این نهادها از قوانین مالیاتی ناظر بر بنگاه های مشابه.

ز- مذهب بعنوان امر خصوصی و عقیده شخصی

۲۶- آزادی مذهب و یا بی مذهبی بعنوان امر خصوصی و عقیده شخصی افراد. پیروان مذاهب مختلف و کسانی که به هیچ مذهبی اعتقاد ندارند نباید بخاطر عقاید مذهبی و یا ضد مذهبی خود مورد پیگرد قانونی و یا آزار و تحقیر و توهین قرار بگیرند.

۲۷- ممنوعیت هر نوع اجبار فیزیکی و روحی برای پذیرش مذهب و ممنوعیت هر نوع مجازات برای ترک مذهب.

۲۸- آزادی پیروان و مخالفین هر مذهب در نشر عقاید خود. ممنوعیت تحریکات و تهدیدات مذهبی علیه آزادی بیان و ابراز عقیده افراد. ممنوعیت صدور فتوا و دیگر احکام مذهبی علیه افراد بخاطر انتقاد از مذهب و یا عدم رعایت تابوها و مقدسات مذهبی و یا هر دلیل دیگری. صدور فرمان قتل و ترور افراد از سوی مراجع مذهبی جرم سنگین جنائی محسوب میشود و با مقابله قاطع و شدید قانونی روبرو خواهد شد.

۲۹- آزادی بیقید شرط نقد مذهب و انتقاد آزادانه و همه جانبه از مذهب از نظر علمی و فلسفی و فرهنگی و در اشکال مختلف ادبی و هنری نظیر فیلم و نمایشنامه و رمان و شعر و نقاشی و طنز و غیره.

۳۰- موظف شدن دولت به خرافه زدائی از جامعه از طریق کار فرهنگی آگاهگرانه و رشد سطح دانش و اطلاعات علمی عامه مردم.

موازین فوق شرط لازم برقراری يك نظام واقعا سکولار، مدرن و پیشرو است. حزب همه مردم آزادیخواه و انقلابی را به گسترش مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری سوسیالیستی، يك جامعه آزاد، برابر و مرفه، که موازین مندرج در این بیانیه را تماما به اجرا خواهد گذارد، فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۸ بهمن ۱۳۸۸، ۲۸ ژانویه ۲۰۱۰

دفا تر دولتی رسمیت می یابد و اجرا یا عدم اجرای مراسم خاص، اعم از شرعی و عرفی، نقشی در رسمیت و وجهه قانونی این امور ندارد.

ه- مصون داشتن کودکان از مذهب
۱۹- کودکان مذهب ندارند. قبول هر مذهب و یا بی مذهبی يك امر اختیاری و آزادانه افراد بالغ جامعه است که باید بدور از هر نوع فشار فیزیکی و روحی صورت بگیرد.

۲۰- مصونیت افراد زیر شانزده سال از هر نوع دست اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی.

۲۱- ممنوعیت جلب افراد زیر شانزده سال به فرقه های مذهبی و مراسم و اماکن مذهبی.

۲۲- ممنوعیت حجاب برای کودکان. ممنوعیت هر نوع پوشش مذهبی و لغو کلیه قوانینی که مانع برخورداری کودکان، اعم از دختر و پسر، از يك زندگی خلاق و شاد و تفریحات و شرکت در فعالیتهای اجتماعی مخصوص کودکان گردد.

و- مقابله با مذهب بعنوان صنعت و کار و کسب

۲۳- مصادره و باز پس گیری کلیه اموال و دارایی ها و اماکنی که نهادهای مذهبی در طول حکومت رژیم اسلامی و یا در رژیم های گذشته به زور و یا از طریق دولت و نهادهای و بنیادهای مختلف تصاحب کرده اند. قرار گرفتن این اموال و اماکن در اختیار نهادهای منتخب مردم برای استفاده های عام المنفعه.

۲۴- ممنوعیت هر نوع تقویت مالی و مادی و معنوی مذهب و فعالیت ها و نهادهای و فرقه های مذهبی توسط دولت و نهادهای دولتی.

۲۵- ضرورت ثبت رسمی ادیان و فرقه های مذهبی بعنوان بنگاه ها و نهادهای خصوصی و تابعیت نهادهای مذهبی از کلیه قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت بنگاه ها. کنترل مراجع قانونی بر حساب ها و دفاتر و دریافتی ها و پرداختی های فرقه ها و نهادهای مذهبی. تابعیت

۱۲- ممنوعیت هر نوع فعالیت، مراسم و ابراز وجود مذهبی که با آزادی ها و حقوق مدنی مردم و یا با قوانین و مقررات مربوط به بهداشت و سلامت افراد و محیط زیست و قوانین مربوط به حمایت از حیوانات مغایرت داشته باشد.

د- مذهب زدائی از امور شخصی و خانوادگی

۱۴- ممنوعیت صیغه و تعدد زوجات. حق بیقید و شرط جدائی (طلاق) برای زن و مرد. برابری کامل حقوق و وظایف زن و مرد در امور مربوط به تکفل و سرپرستی فرزندان در زندگی مشترک و پس از جدایی.

۱۵- ممنوعیت دخالت مذهب در روابط جنسی افراد. آزادی کامل روابط جنسی افراد بالای ۱۶ سال. حق هر زوج بالای ۱۶ سال به زندگی مشترک به میل و انتخاب خود. ممنوعیت هر نوع اجبار و اعمال فشار از جانب هر فرد و مرجعی بر افراد در امر انتخاب همسر، زندگی مشترک (ازدواج) و جدایی (طلاق).

۱۶- لغو قوانین شرعی و سنتهای مذهبی و کلیه قوانین و مقررات عقب مانده و ارتجاعی که به رابطه جنسی زن و مرد با کسانی جز همسر خویش بعنوان جرم برخورد میکنند.

۱۷- ممنوعیت دخالت مذهب در امور مربوط به زندگی خانوادگی. برابری کلیه حقوق زن و مرد در خانواده در امر انتخاب محل زندگی، امور مربوط به سرپرستی و تعلیم و تربیت فرزندان، تصمیم گیری در مورد دارایی ها و اقتصاد خانواده و کلیه امور مربوط به زندگی مشترک.

لغو موقعیت ویژه مرد بعنوان سرپرست خانواده در کلیه قوانین و مقررات.

۱۸- ممنوعیت هر نوع خطبه و دیگر شعائر مذهبی در مراسم مدنی و ثبت رسمی امور شخصی افراد نظیر زندگی مشترک (ازدواج) و جدائی (طلاق) و تولد و مرگ. زدودن هر نوع رنگ مذهبی از اسناد و مراجع دولتی مربوط به این امور. این امور به شیوه مدنی و با ثبت در

۴- ممنوعیت هر گونه مراسم و مناسک، و مظاهر و نمادهای مذهبی در ادارت و نهادهای دولتی.

۵- لغو مذهب رسمی.

۶- لغو هر نوع رجوع به مذهب در تقویم رسمی.

ب- جدائی کامل مذهب از سیستم آموزشی

۷- ممنوعیت تدریس دروس مذهبی، احکام مذهبی، و یا تبیین مذهبی موضوعات در مدارس و موسسات آموزشی. لغو کلیه مقررات که ناقض اصل آموزش و پرورش غیر مذهبی هستند.

۸- ممنوعیت هر نوع مراسم و هر نوع پوشش مذهبی و حمل و نصب علائم و نمادهای مذهبی در مدارس و دانشگاهها و موسسات آموزشی.

۹- برقراری سیستم آموزشی مختلط با برنامه های درسی و معیارها و استانداردهای یکسان آموزشی برای دانش آموزان دختر و پسر در تمام سطوح.

ج- مذهب زدائی از زندگی اجتماعی

۱۰- لغو آپارتاید جنسی و حجاب اجباری. لغو کامل کلیه قوانینی که موجب جداسازی زن و مرد در تمامی شئون جامعه، در موسسات و مجامع و اجتماعات و معابر و وسایل نقلیه عمومی، اماکن کار، محسبتهای ورزشی، آموزشگاهها، و ادارات و مدارس است.

۱۱- آزادی بی قید و شرط انتخاب لباس. لغو هر نوع شرط و شروط رسمی و یا ضمنی بر مقدار و نوع پوشش مردم، از زن و مرد، در اماکن عمومی. ممنوعیت هر نوع تبعیض و یا اعمال محدودیت بر مبنای پوشش و لباس مردم.

۱۲- ممنوعیت مراسم مذهبی خشونت آمیز و غیر انسانی. ممنوعیت هر نوع مراسم و ابراز وجود مذهبی که مخل آرامش و احساس امنیت مردم باشد.

سه دهه حاکمیت جمهوری اسلامی، مذهب زدائی از دولت و جامعه را به يك خواست پایه ای و نیاز مبرم مردم ایران تبدیل کرده است. مردم ایران در تجربه خود به این حقیقت پی برده اند که بدون قطع دست مذهب از حکومت و از قوانین و از سیستم آموزشی و قضائی، حتی از ابتدائی ترین آزادیها و حقوق پایه ای خود بهره مند نخواهند شد. خلاصی از سلطه مذهب يك رکن و نیروی محرکه اصلی جنبش انقلابی حاضر است که ارکان حکومت اسلامی را به لرزه درآورده است.

انقلاب جاری نه تنها باید حکومت و نظام جمهوری اسلامی را از سر راه جارو کند بلکه موظف است یکبار برای همیشه مذهب را از دولت و شئون اجتماعی مردم کنار بزند و يك رنسانس و روشنگری عمیق اجتماعی و فکری علیه مذهب را در ایران و در سطح جهانی آغاز کند. در صد سال اخیر، از انقلاب مشروطه تا امروز، بارها جامعه با پرچم علم و آگاهگری و مدرنیسم و تجددخواهی علیه مذهب و خرافات مذهبی پسا خاسته و مدام به شکست کشیده شده است. امروز زمان این تسویه حساب تاریخی است. نسل امروز ایران میتواند و باید پرچمدار يك رنسانس عمیق ضد مذهبی در ایران، در خاورمیانه و در سطح جهانی باشد.

حزب کمونیست کارگری موازین زیر را بعنوان پرچم يك مبارزه پیگیر و عمیق و همه جانبه برای خلع ید مذهب از دولت و جامعه اعلام میدارد:

الف- جدائی کامل مذهب از دولت

۱- لغو کلیه قوانین مذهبی و حذف هر نوع ارجاع به مذهب در کلیه قوانین اعم از مدنی و قضائی و قوانین مربوط به خانواده و غیره.

۲- انحلال کامل سیستم قضائی اسلامی متشکل از قضاات و دادگاههای شرع و احکام قصاص و دیگر قوانین شرعی. زدودن کامل فلسفه و درک و تبیین اسلامی از مفهوم عدالت و پیگرد و بازپرسی و جرم و جنایت و کیفر و غیره از سیستم قضائی کشور.

۳- لغو هر نوع ارجاع به مذهب افراد در ادارات و مقررات دولتی و در اوراق هویتی و اداری مربوط به آنها.

کانال جدید، کانال انقلاب



یدی محمودی

اختصاص دادند در آن دوره کانال جدید به حق صدای اعتراض میلیونی علیه جمهوری اسلامی شده بود و به همین خاطر هم مثل خاری در چشم حاکمان جانی و چپاولگر فرو رفته بود و همه تلاش خود را کردند که کانال جدید را از کار بیندازند.

کانال جدید اما این بار با کوله باری از تجربه، از بیستم ژانویه دوباره راه خود را به خانه های مردم پیدا کرد. در همین مدت کوتاه و با وجود تمام تلاشهای حکومت اسلامی، ارتباطهای خود را با مردم متنفر از جمهوری اسلامی را شروع کرده - این بار در فضای انقلابی امروز ایران و در آستانه در هم شکستن حکومت ترور، شکنجه و اعدام، کانال جدید می تواند و باید به صدای انقلاب مردم ایران تبدیل شود. باید تقلاهای حکومت اسلامی برای پارازیت انداختن را در هم شکست. باید کانال جدید را در کمترین زمان ممکن به خانه همه کسانی برد که این حکومت را نمی خواهند. باید در همان برنامه های لایف تلویزیون خود مردم روی خط تلفن بیایند و مثل گذشته جواب یاهو گویهای طرفداران این رژیم منحوس را بدهند و کاری کنند که مزاحمتهای آنها نتواند کوچکترین خللی در پیشبر اعتراض و مبارزه

امان علیه این حکومت ضد انسان را ایفا کند. مردم ایران در ۸ ماه گذشته دهها بار با پاهای خود حکم به نابودی این رژیم سرپا جنایت دادند. عربده کشیهای حاکمان جانی را با اعتراضات محکم خود ناکام گذاشته اند. صدای انقلاب را همه حاکمان شنیده اند و این صدا امروز با وجود بودن کانال جدید می تواند هر چه رساتر شود و نگذاشت هیچ اعتراض و مبارزه ای را بدون فرستادن خبر آن برای کانال جدید از دست داد.

در کوتاه مدت همه بینندگان کنونی کانال جدید می توانند و باید نقش انقلابی خود را بعنوان مبلغین کانال جدید ایفا کنند. باید فراخوانهای حزب به مردم برای

برنامه های کردی ایسکرا که به مسائل مختلف در کردستان اختصاص دارد می خواهد صدای ۳۰ سال تلاش و جانفشانی هزاران نفر از کسانی باشند که در اوج قدرت این رژیم جنایت پیشه در مقابل آن ایستاد و علیه آن جنگیدند. تلویزیونهای کردی زبان کم نیستند اما تلویزیون ایسکرا بر خلاف اکثریت آنها می خواهد صدای نه بزرگ مردم کردستان به کل حکومت اسلامی باشد. تلاش ما این است که مبارزات مردم کردستان را به انقلاب جاری برای زیرو رو کردن کل بساط حکومت اسلامی تبدیل کنیم.

زنده باد کانال جدید
یدی محمودی
۲ فوریه ۲۰۱۰

برنامه های ۲۴ ساعته کانال جدید

مشخصات کانال جدید را به دوستان و آشنایان خود اطلاع دهید و به هر شکل که میتوانید وسیعا آنرا تبلیغ کنید. مشخصات کانال جدید در ماهواره نایل سات به این قرار است:

Satellite: AB4A/NILESAT103 @ 7 Degrees West

Freq: 10873

Polarity: Vertical

Symbol Rate: 27,500

Fec: 3/4

لازم به توضیح است که دارندگان دیش هاتبرد میتوانند بدون تغییر زاویه دیش و با نصب آل ان بی به نایل سات نیز همزمان دسترسی داشته باشند. کانال جدید



چهل نفر را دستگیر میکنند. سپس آن تعداد از تظاهر کنندگان که دستگیر نشده بودند به طرف محل نگهداری دستگیرشدگان حرکت کرده و بعد از یکساعت پلیس همه دستگیرشدگان را آزاد کرد.

ما از فعالین سیاسی و مردم معترض در خارج کشور دعوت میکنیم که با دامن زدن به این نوع حرکات اعتراضی، مراکز جاسوسی جمهوری اسلامی در خارج کشور را ببندند!

حزب کمونیست کارگری ایران
آلمان

۳ فوریه ۲۰۱۰



پلیس چندین بار به تظاهر کنندگان تذکر داد که تجمعشان را پایان دهند. پلیس به تظاهر کنندگان اعلام میکند که

در فرانکفورت حدود ۴۰ نفر از تظاهر کنندگان توسط پلیس آلمان دستگیر و یکساعت بعد آزاد شدند!

امروز چهارشنبه ۳ فوریه از ساعت شش و نیم صبح تعداد زیادی از جوانان آنتی فاشیست آلمانی و فعالین چپ در کلن و فرانکفورت و فعالین حزب کمونیست کارگری ایران در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی در شهر فرانکفورت تجمع کرده و با قتل زدن به در کنسولگری مانع آغاز کار کنسولگری حکومت فاشیست اسلامی شدند. این حرکت اعتراضی با

شعارهای کوبنده علیه حکومت اسلامی همراه بود و توجه زیادی به خود جلب کرد. هدف تظاهر کنندگان، بستن کنسولگری جمهوری اسلامی بود و با یک حرکت سمبلیک قفلهای بزرگی بر در کنسولگری زده و اعلام میکنند که این لانه جاسوسی باید برچیده شود. تعداد زیادی خبرنگار در محل حاضر شده و از این حرکت جالب، گزارش و خبر تهیه کردند.

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!